



پیام رهبر فرزانه انقلاب
در پی حادثه دردناک اسکله شهید رجایی:

مسئولان امنیتی و قضایی هرگونه سهل انگاری یا تعمد را کشف و پیگیری کنند

(۲)

روایت میدانی خبرنگار اعزامی «ایران» از بندرعباس شهری که در سکوتی توأمان با بهت و غم فرورفته است

بندر؛ یک روز پس از فاجعه

✓ رئیس جمهوری در محل حادثه حاضر شد و از مصدومان عیادت کرد

و متعاقب آن در نشست ویژه ستاد مدیریت بحران استان حضور یافت

✓ دولت امروز را در سراسر کشور عزای عمومی اعلام کرد

✓ جشنواره ملی موسیقی نواحی و فستیوال «کوچه» به احترام قربانیان به کار خود پایان دادند

✓ معاون اول رئیس جمهور: اولویت دولت، جبران خسارت است

✓ بندر شهیدرجایی فعالیت عادی خود را آغاز کرد و تخلیه، بارگیری و ترانزیت از سر گرفته شد

✓ سخنگوی وزارت دفاع وجود هر گونه مواد مرتبط با صنایع دفاعی در بندر را تکذیب کرد

✓ «ایران» به بهانه حادثه بندر شهیدرجایی آسیب پذیری های صنعت بیمه ایران را مورد بررسی قرار داد

✓ یک اقتصاددان در یادداشت اختصاصی از رویه موجود برای کنترل تراز پرداخت ها

از طریق بسط تشریفات گمرکی انتقاد کرد

«ایران» از تقلبی بودن قرص ها و آمپول های درمان چاقی گزارش می دهد

شیشه و آب مقطر کسی را لاغر نمی کند

یادداشت ریچارد هاس درباره اهداف دولت آمریکا از پیگیری مذاکرات با ایران

بهترین فرصت دیپلماتیک برای ترامپ

(۵)

بندر؛ یک روز پس از فاجعه

گزارش



هواپما که نشست روی آسفالت فرودگاه بندرعباس، هرم شرعی آمد روی صورتم. چند دقیقه قبلش میهماندار گفته بود که «مسافرین محترم! به اطلاع می‌رساند دمای هوای شهر بندرعباس در این لحظه، ۳۱ درجه سانتیگراد است.» همین دما یک ساعت و نیم قبل که ما از تهران حرکت کردیم ۱۸ درجه بود.

هشت صبح یک روز بهاری و بیش از ۳۰ درجه گرما! خدا رحم کند. کنار ترمینال غیر از هواپیما ی ما، هواپیمای وزیر کشور هست و یک هواپما از ساها یا همان هواپیمایی ارتش و یک هواپیمای کوچک دیگر از اطلس ایر که باز هم فکر کنم برای مقامات است.

بر باز می‌شود و من ماسک زده، آمادام که گوگرد و هزار ماده سمی دیگر برود توی ریه‌هایم و چشمم را بسوزاند ولی خبری نیست. بندری‌ها خودشان می‌گویند شنیه شب باد آمده. دود البته در آسمان مشهود است. یک دود سیاه کمرنگ که مثل هم است ولی اینجا کسی ماسک N95 نزنه است. فقط ظاهرآ من بـودم که ترسیدام و ساعت ۱ شب رفتم داروخانه شبانه‌روزی و ماسکی با آن عظمت زدم به صورتم. بیرون در فرودگاه، بعد از کمی هماهنگی تلفنی، تاکسی‌می‌گیرم که بروم بیمارستان محمّدی. در لیست‌هایی که در فضای مجازی منتشر شده آنجا ظاهرآ بیشترین پذیرش مجروحان را داشته است. راننده تاکسی بین راه از این می‌گوید که خودش چند دقیقه قبل از انفجار آنجا بوده و آلاچیقی که بغل ماشینش بوده تکه تکه شده و البته حرف‌هایی هم می‌زند درباره علت ماجرا. همه‌اش با «میگن» شروع می‌شود. همان شایعه خودمان است. نه در تهران درست است؟ نمی‌دانم. غلط است؟ نمی‌دانم. حرف‌هایش ولی تازه نیست.

همین امروز صبح در آسوشیتدپرس و نیویورک تایمز هم همین‌ها را خوانده بودم. این طور نیست که از منبعی محلی یا آشنایی حرف بزنم. او هم مصرف‌کننده همان رسانه‌ای است که من در تهران دارم. جامعه شبکه‌ای یا همان دهکده ارتباطات که در تئوری‌ها می‌خوانیم خودش را دارد نشان می‌دهد. درباره واقعه‌ای که در بندر اتفاق افتاده، حرف یک بندرعباسی همان حرفی است که در نیویورک و واشنگتن و لندن تولید

• دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۴

• ۲۹ شوال ۱۴۴۶

• ۲۸ آوریل ۲۰۲۵

• سال سی و یکم

• شماره ۸۷۲۵

• ۱۶ صفحه

• قیمت در سراسر کشور: ۱۰۰۰۰ تومان

Iran

Newspaper

ISSN1027-1449

Keytitle: IRAN (Tehran)

irannewspaper.ir

ایران



President.ir

(۱)(۲)(۳)(۴)(۵)(۶)(۷)(۸)(۹)(۱۰)(۱۱)(۱۲)(۱۳)(۱۴)(۱۵)(۱۶)(۱۷)(۱۸)(۱۹)(۲۰)(۲۱)(۲۲)(۲۳)(۲۴)(۲۵)(۲۶)(۲۷)(۲۸)(۲۹)(۳۰)(۳۱)(۳۲)(۳۳)(۳۴)(۳۵)(۳۶)(۳۷)(۳۸)(۳۹)(۴۰)(۴۱)(۴۲)(۴۳)(۴۴)(۴۵)(۴۶)(۴۷)(۴۸)(۴۹)(۵۰)(۵۱)(۵۲)(۵۳)(۵۴)(۵۵)(۵۶)(۵۷)(۵۸)(۵۹)(۶۰)(۶۱)(۶۲)(۶۳)(۶۴)(۶۵)(۶۶)(۶۷)(۶۸)(۶۹)(۷۰)(۷۱)(۷۲)(۷۳)(۷۴)(۷۵)(۷۶)(۷۷)(۷۸)(۷۹)(۸۰)(۸۱)(۸۲)(۸۳)(۸۴)(۸۵)(۸۶)(۸۷)(۸۸)(۸۹)(۹۰)(۹۱)(۹۲)(۹۳)(۹۴)(۹۵)(۹۶)(۹۷)(۹۸)(۹۹)(۱۰۰)

واکنش اهالی فرهنگ و هنر به حادثه انفجار اسکله شهید رجایی در شبکه‌های اجتماعی

اهل احساس

در سوگ بندرعباس

محمود شوری کارشناس مسائل آسیا ابعاد راهبردی سفر پزشکیان به جمهوری آذربایجان را بررسی کرد

پیش به سوی

تغییر توازن در قفقاز

تجارت ۲۰ میلیارد دلاری با قاره فرصت‌ها هدفگذاری شد

آفریقا

شریک راهبردی ایران

یادداشت ریچارد هاس درباره اهداف دولت آمریکا از پیگیری مذاکرات با ایران

بهترین فرصت دیپلماتیک

برای ترامپ

«ایران» از تقلبی بودن قرص ها و آمپول های درمان چاقی گزارش می دهد

شیشه و آب مقطر

کسی را لاغر نمی کند

دیدم. او گفت که خودش در ۴ کیلومتری صحنه انفجار بوده؛خودرویش در ۵۰متری و برادرش در ۴۰ متری. انتظار داشتم خبر بدی از برادرش به ما بدهد ولی گفت حالش نسبتاً خوب است گرچه موج انفجار او را پرتاب کرده و شکستگی‌هایی دارد که برای درمان آن در آئی سی یوی بیمارستان بستری است. او تعداد خودروهای ضربه دیده را هزاران خودرو توصیف کرد ولی اینطور به نظر می‌رسید که لفظ هزاران را به معنای کثرت به کار برد نه به معنای آمار دقیق. او از این حادثه به عنوان یک «فاجعه» یاد می‌کرد و یک نمونه از تفاوت برخورد با حادثه بین فردی بود که خودش در آنجا حضور داشته و برخی مردم عادی که در شهر حضور داشتند و صرفاً مثل ما از حادثه شنیده یا تبعات آن را دیدند. قصه این روز ما، عصر بندر به پایان رسید. وقتی علاوه بر وزیر کشور و وزیر راه که از غروب شبیه در بندر بودند مسعود پزشکیان هم به بندرعباس آمد، پزشکیانی که قرار بود اصلاً آخرین هفته برای سفر استانی به هرمزان سفر کنند ولی دست روزگار او را چند روز زودتر برای جلسه مدیریت بحران به اینجا کشاند.

بگذارید قصه را با صحبت یک جراح تمام کنم. در بیمارستان محمّدی. وقتی از او پرسیدم آیا کسی از اهالی شهر هم برای تروما یا همان واکنش عصبی پس از حادثه‌های مهیب به بیمارستان آمده یا نه، خندید و گفت: «ما خیلی قوی‌تر از این حرف‌ها هستیم. حرف او، لایذ حرف مادری نیست که این روزها پاشنه به پاشنه زمان و به زندگی. آنا گوالدا گفته بود زندگی از هر چیز دیگری قوی‌تر است. امید که برای آن مادر هم همین طور باشد و البته برای آن دو پسری که به دنبال زنجیر دوستان می‌گشتند و این البته چیزی از مسئولیت آقایان و خانم‌های در رأس کار، و بیان شفاف و صادقانه دلیل ماجرا کم نخواهد کرد.»

آن روز به سر کار نرفتند. این ماجرای شانس هم جالب است. قصه این است که تعطیلات سه روزه هفته گذشته، میهمانی‌های جمعه شب و البته موج سرماخوردگی فعلی در کشور باعث شده بوده برخی از اهالی بندر که در اسکله کار می‌کنند صبح شبیه در حال استراحت باشند و ظهر هم به خاطر گرمای شدید به بندر نروند و برای همین بندر در آن ساعت روز خلوت‌تر از قبل بوده است. همچنین ساعت اولین انفجار که ۱۲ و ۶ دقیقه بوده، دقیقاً ۶ دقیقه بعد از ساعت تعطیلی مدارس بوده است و برای همین در یک مدرسه ابتدایی که ریزش سقف به وقوع پیوسته خوشبختانه هیچ کودکی آسیب ندیده است. از آن سو بسیاری از افرادی هم که آسیب دیدند، آسیب‌های جزئی داشتند و مثلاً در بیمارستان خلیج فارس، فقط ۷ نفر دیگر بستری بودند، در بیمارستان محمّدی، از ۲۲۵ نفر پذیرش، ۷۰ نفر در بیمارستان صاحب‌الزمان پیش از ۲۰۰ نفر و ۲۳۶ نفر مرخص شده‌اند. به طور کلی آن طور که وزیر کشور گفته، تقریباً از هر ۱۰ مجروح، حالا هشت نفر از بیمارستان مرخص شده‌اند.

درباره مسأله هزینه درمان با یکی از همراهان بیمار که لباسی بلوچی داشت گفت‌وگو کردم. او گفت بیمارش بیمه بوده و فعلاً درمان رایگان است ولی جایی‌ها به خودپرداز بود تا پول پلاتین را واریز کند. این موضوع را در بیمارستان سیدالشهدا دیدم. در این بیمارستان ارتش برای همراهان بیمار هم تسهیلاتی درست کرده بود. یک سایبان یا توره‌ای استار نظامی که زیر آن آب خنک و هندوانه به همراهان می‌دادند و ظاهرآ ناهار هم برای آن‌ها مهیا کرده بودند. با این حال در اینجا هم فرصتی برای مصاحبه نبود. گفتند باید به بیمارستان بانبروی دریایی ارتش هماهنگ کرد. موضوعی که شاید بتوانید حدس بزنید چه پروسه پیچیده‌ای است و چقدر نیاز به دسترسی به افراد محلی دارد. ولی در همین بیمارستان یکی از افرادی که سقف خودرویش مجاله شده بود را هم

هم نمی‌توانند بگویند چه کسانی هستند و از روی عکس هم، همراهان بیمار آنها را شناسایی نکردند. این وضعیت پیچیده باعث شده که تعداد نهایی فوتی‌ها همچنان نامشخص باقی بماند هرچند منبعی آگاه در استانداری هرمزگان می‌گوید که بعید است تخمین‌های اولیه مبنی بر رسیدن تعداد فوتی‌های این حادثه به حدود صد نفر یا حتی بیشتر صحیح باشد ولی به هر حال به صواب نزدیک‌تر است که فعلاً منتظر بمانیم و البته دعا کنیم که حتی یک نفر دیگر هم به قربانیان اضافه نشود. برگردیم به روایت. بیمارستان محمّدی بودیم. سر ظهر. دقیقاً یک روز پس از حادثه. واقعیت این است که فرد غریبه‌ای برگردیم به روایت. بیمارستان محمّدی بودیم. سر ظهر. دقیقاً یک روز پس از حادثه. واقعیت این است که فرد غریبه‌ای برگردیم به روایت. بیمارستان محمّدی بودیم. سر ظهر. دقیقاً یک روز پس از حادثه. واقعیت این است که فرد غریبه‌ای

می‌شود. قابل توجه آقایان و خانم‌های مسئول فضای رسانه‌ای! بیمارستان محمّدی یا همان پیامبراعظم، مرکز اصلی ارائه خدمت به بیماران بوده است. یک سوم از کل بیماران اینجا پذیرش شدند و شنیه خیلی شلوغی داشته است. رئیس بیمارستان می‌آید آن بیرون قدمی بزند و کمی به حرف می‌گیرمش. به پرستارها و کادر درمانش می‌نازد که دیروز حتی بدون فراخوان آمدند برای کمک و به خودش می‌بالد که توانسته این همه مریض را در یک روز پذیرش کند. می‌گوید جراحات‌های بیشتر به خاطر خرده شیشه و سوختگی است ولی خیلی‌ها ترخیص شده‌اند.

بیرون در دو تا جوان نشست‌اند با اشکی در چشم حلقه بسته ولی نه پایین می‌ریزد و نه خشک می‌شود. منتظرند. منتظر خبری از دوستانشان. دوستی که قوم و خویشان هم بوده است. یک پسر ۲۷ ساله ترخیص کار گمرک. می‌گویند همه جا را گشته‌اند و نبوده است. راستش را بخوانید. مردم واقعاً به این توصیه که از خانه بیرون نیایید، گوش کرده بودند و خبری از ترافیک حتی در بلوار لب ساحل هم نبود. با البته هوا را تقریباً پاک کرده بود و حتی وقتی این گزارش را می‌نوشتم، شاخص آلودگی روی ۴۸ بود یعنی نقطه سبز. ولی این متعلق است در آن جنازه‌ها نبوده است و خب حتی احتمالاً می‌دانید بندر شهید رجایی حدود ۱۵ کیلومتری بیرون از غربی‌ترین نقطه شهر است. حتی جالب است بدانید که برخی افراد که در نقاط شرقی شهر بودند، می‌گفتند که اساساً صدای انفجار را هم شنیده‌اند. بنابراین شاخص آلودگی را هم باید در آن منطقه سنجید. منطقه‌ای که گفته شد دو سه روستای نزدیکش را هم تخلیه کرده‌اند.

مجموعاً این اتفاق بندر را برخلاف همیشه به یک شهر ساکت تبدیل کرده است. شهر ساکتی که نمی‌دانی سکوتش از بغض است یا از بهت. مثل یک انسان سوگوار به احترام انسان‌هایی که نمی‌دانیم چه باختند (و بعضاً حتی بندری هم نبودند و برای شهرهایی مثلاً در استان کرمان یا حتی سیستان و بلوچستان بودند) سرش را برده در گریانش یا مثل مالباخته‌ای به صدها میلیارد تومان و هزاران فرصت کاری نگاه می‌کند که دود شده و به هوا رفته است. شاید هم هر دو. کسی نمی‌تواند انکار کند که «اسکله» چه سهمی از سید شعلی و درآمد یا حتی دارایی مردم در اینجا داشته و برای همین هم هست که تقریباً هر که می‌بینی، یکی دو نفر در حلقه اطرافیان دور یا نزدیکش داشته که یا در انفجار آسیب دیدند و یا شانس آوردند که

توبت اول

سازمان خصوصی سازی

خلاصه آگهی

عرضه عمومی

شرح در صفحه ۵

۱۹۹۱۷۲۷۳۰۰۴